

## مروری بر سکه‌های اشکانی و نمادهای آنها براساس مستندنگاری سکه‌های اشکانی دوران عصر تاریکی از گودرز اول تا فرهاد سوم

خدیجه باصری<sup>۱</sup>

مجتبی منشی‌زاده<sup>۲</sup>

آمنه ظاهری<sup>۳</sup>

### چکیده

دوران عصر تاریکی (Dark Age) که از زمان گودرز اول تا فرهاد سوم بوده است با توجه به منابع بدست آمده، اشکانیان از لحاظ نژاد به قبیله «داهه» Dāhe یکی از اقوام کوچ‌رو منطقه ماوراءالنهر و دشت‌های جنوب سبیری باز می‌گردد. بر اثر فشار اقوام زرد پوست به سایر اقوام منطقه باعث شد اقوام منطقه به طرف غرب روی بیاورند اقوام «یوئوچی» Yüüçì به سبب فشار «هونها» Hōnha به سایر اقوام منطقه فشار وارد کردند و این اقوام را به سوی جنوب و جنوب غربی یعنی ایران و د کوچ دادند. از جمله این اقوام، قوم «داهه» Dāhe هستند. اقوام «داهه» Dāhe در اثر کوچ با قبایل زرد پوست منطقه اختلاط پیدا کردند این قوم یکی از اقوام سفید پوست «سکایی» Sakāi بوده که در اثر برخورد با قبایل زرد پوست مهاجر قه تحت تأثیر آداب و رسوم و اعتقادات آنها قرار گرفتند. مقایسه سکه‌ها با یکدیگر هست که هم به بخش تاریخی و هم بخش سکه‌شناسی این دوره توجه شده است. عصر تاریکی دوره پارتیان دوره زمانی گودرز اول تا فرهاد سوم بین سال‌های ۵۷-۹۵ پیش از میلاد محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سکه‌های اشکانی، نقوش، انواع خطوط، نشانه‌ها، ضرابخانه‌ها.

۱. دانشجوی دکتری، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، عربی و باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. zohreh.baseri@gmail.com

۲. استاد راهنما، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) monshizadeh30@yahoo.com

۳. استاد مشاور، گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، عربی و باستان دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. zaheramenh723@gmail.com

## مقدمه

دوره زمانی گودرز اول تا فرهاد سوم بین سالهای ۹۵-۵۷ پیش از میلاد محسوب می‌شود. این دوره زمانی بعد از سلطنت مهرداد دوم می‌باشد. دوره‌ای که دولت پارت به ثبات و نیرومندی رسید که طی بیش از سه قرن تا زمان سقوط اشکانیان در سال ۲۲۶ میلادی فراز و نشیب‌ها و تهدیدهای خارجی و داخلی نتوانست آن را از پای درآورد. با این حال افول پادشاهی مهرداد دوم که یکی از بزرگترین شاهان پارت بود مقارن با ظهور پدیده‌ای در تاریخ پارت شد که در تمام طول تاریخ این دودمان به تضعیف آن در برابر خطرهای داخلی و خارجی کمک کرد. البته پدیده‌ای دائمی نبود و شاهنشاهی اشکانیان چند دوره شکوهمند را پشت سر گذاشت، اما این خطر بالقوه‌ای برای اثبات دولت به شمار می‌رفت. این پدیده عبارت بود از به صحنه آمدن غاصبانی که خاندان‌های بزرگ ایرانی با ارتش‌های خصوصی و مستقل خود از ایشان حمایت می‌کردند. توضیح این پدیده، که با تصویر تاریخی دولت اشکانی پیوند نزدیکی دارد بدون بازسازی شالوده نظامی و اقتصادی اشرافیت پارت ممکن نیست، که به نوبه خود عقاید قدیمی درباره وجود نظام برده‌داری و نقش آن در ایران را مردود می‌سازد. وانگهی با توجه به کمبود منابع یونانی و لاتین و نارسایی‌های همین منابع ناچیز، جزئیات این فرایند برای ما روشن نخواهد شد. مگر آنکه اطلاعات تازه‌ای از کشفیات داخل خاک ایران در اختیار ما قرار گیرد. نمونه‌ای از مشکلات مربوط به منابع شاید ماجرای گودرز یکم (۸۱/۹۸، ۸۰ پ.م) باشد. نام او، همراه با لقب شهرب شهربان ساتراپ ساتراپیا یا شتروپان شترویه. این لقب الگوبرداری آشکاری از لقب شاهنشاه شاه شاهان است که در سنگنبشته بیستون آمده است. اسناد خط میخی سرزمین بابل ثابت می‌کنند که مهرداد در ۹۲/۹۱ پ.م پادشاه بوده است، اما اگر از روی سکه قضاوت کنیم می‌بینیم که در ۹۱/۹۰ پ.م گودرز نیز پادشاه بخشی از ایران بوده است. درباره سلطنت او و سلطنت رقیبش آرد یکم

در حدود ۷۷/۷۶-۸۰ پ.م چیزی نمی‌دانیم. نکته اینجاست که فقط شاهانی که در اسناد خط میخی بابل وجود دارند با نام‌های خودشان ذکر شده‌اند، زیرا با توجه به سلطنت همزمان چند پادشاه، مهرداد دوم، گودرز و آرد، این کار برای بازشناختن آن‌ها از یکدیگر ضروری بوده است. ظهور این شاهان اخیر که از چپستی و چگونگی پیوند آن‌ها با دودمان اشکانی بی‌خبریم، بدان معنی است که پس از دوره‌ای ثبات، ساختار دولت اشکانی در برابر چنین تکان‌های شدیدی آمادگی نداشته است. وظیفه استقرار نظم داخلی بر دوش پادشاه جدیدی به نام سیناتروس یا سیناتروک قرار گرفت که پارت‌های نگران وحدت دولت و کشور او را به شاهی دعوت کردند. ظاهراً دعوت از او میان سکاها و جلوس او بر تخت در هشتاد سالگی (۷۷-۷۰ پ.م) نمایانگر پیوندهای وی با سلسله اشکانی است. سن و تبعید او به نزد سکاها نیز گواه این امر است گرچه ما از اوضاع و احوالی که این واقعه در آن رخ داده است به کلی بی‌خبریم. هرچند در مورد گودرز یکم و آرد یکم در منابع ادبی هیچ اشاره‌ای وجود ندارد. فقط منابع کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی و اسناد خط میخی وجود آن‌ها را تایید کرده‌اند. (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۱۰).

## پیشینه‌ی تحقیق

اهمیت مطالعات سکه‌شناختی به عنوان منبع دست اول و اساسی برای بازشناسی جنبه‌های گوناگون این دوره تاریک اما مهم، سبب شده تا پژوهشگران متعددی به بررسی سکه‌های اشکانی بپردازند. وارویک روث در مجموعه سکه‌های پارتی در موزه بریتانیا نخستین طبقه‌بندی اساسی را از سکه‌های اشکانی به عمل آورد. (Warwick Wroth, 1907). بر اساس کار وی، نیوئل در ۱۹۳۸ در کتاب آرتور پوپ «سیری در هنر ایران» شرح جامعی بر سکه‌های اشکانی با انتساب‌های جدید نگاشت. دیوید سلود علاوه بر مقالات متعدد، مجموعه‌ای فراهم آورده به نام مقدمه‌ای بر سکه‌های پارتی که برای متخصصان و غیرمتخصصان سودمند و مورد

که با تصویر تاریخی دولت اشکانی پیوند نزدیکی دارد بدون بازسازی شالوده نظامی و اقتصادی اشرافیت پارت ممکن نیست، که به نوبه خود عقاید قدیمی درباره وجود نظام برده‌داری و نقش آن در ایران را مردود می‌سازد. وانگهی با توجه به کمبود منابع یونانی و لاتین و نارسایی‌های همین منابع ناچیز، جزئیات این فرایند برای ما روشن نخواهد شد. مگر آنکه اطلاعات تازه‌ای از کشفیات داخل خاک ایران در اختیار ما قرار گیرد. نمونه‌ای از مشکلات مربوط به منابع شاید ماجرای گودرز یکم (۸۱/۹۸، ۸۰ پ.م) باشد. نام او، همراه با لقب شهرب شهربان ساتراپ ساتراپ یا شتروپان شترویه. این لقب الگوبرداری آشکاری از لقب شاهنشاه شاه شاهان است که در سنگنبشته بیستون آمده است. اسناد خط میخی سرزمین بابل ثابت می‌کنند که مهرداد در ۹۲/۹۱ پ.م پادشاه بوده است، اما اگر از روی سکه قضاوت کنیم می‌بینیم که در ۹۱/۹۰ پ.م گودرز نیز پادشاه بخشی از ایران بوده است. درباره سلطنت او و سلطنت رقیبش آرد یکم در حدود ۷۷/۷۶-۸۰ پ.م چیزی نمی‌دانیم. نکته اینجاست که فقط شاهانی که در اسناد خط میخی بابل وجود دارند با نام‌های خودشان ذکر شده‌اند، زیرا با توجه به سلطنت همزمان چند پادشاه، مهرداد دوم، گودرز و آرد، این کار برای بازشناختن آن‌ها از یکدیگر ضروری بوده است. ظهور این شاهان اخیر که از چپستی و چگونگی پیوند آن‌ها با دودمان اشکانشی بی‌خبریم، بدان معنی است که پس از دوره‌ای ثبات، ساختار دولت اشکانی در برابر چنین تکان‌های شدیدی آمادگی نداشته است. وظیفه استقرار نظم داخلی بر دوش پادشاه جدیدی به نام سیناتروس یا سیناتروک قرار گرفت که پارت‌های نگران وحدت دولت و کشور او را به شاهی دعوت کردند. ظاهراً دعوت از او میان سکاها و جلوس او بر تخت در هشتاد سالگی (۷۰-۷۷ پ.م) نمایانگر پیوندهای وی با سلسله اشکانی است، سن و تعیید او به نزد سکاها نیز گواه این امر است گرچه ما از اوضاع و احوالی که این واقعه در آن رخ داده است به کلی

ارجاع است. (چاپ دوم ۱۹۸۰). جدیداً فابریتزوی سینوسی در مجموعه کتاب‌هایی که درباره سکه‌های اشکانی در ۹ جلد چاپ خواهد شد، بیش از ۲۷۰۰ عدد سکه به دست آمده از دوره ۱ امانی را مورد بررسی قرار داده است. (Sinisi, 2012) و به شرح سکه‌های اشکانی پرداخته است که با در نظر گرفتن دانش روز، نیاز به ویرایش اساسی دارد. در ایران کتاب کپارش غلامی با عنوان سکه‌های اشکانی بازنگری تاریخ و سکه‌شناسی اشکانیان ۱۳۹۲ در واقع نخستین مجموعه سکه‌شناسی اشکانی به زبان فارسی است که بیشتر شامل شرح تصاویر سکه‌ها است و نه تفسیر نقش‌ها. مقالات پراکنده و گوناگونی نیز درباره این دوره انتشار یافته است که هر یک به بررسی ویژگی‌های خاص سکه‌ها بیشتر از جنبه نسب پادشاهان یا تاریخ‌گذاری پرداخته‌اند. همچنین از نویسندگانی چون جان لیندسی، گاردنر، لی رایدر، نیز بر روی سکه ای پارتی کار کرده‌اند.

### اهداف تحقیق

دوره زمانی گودرز اول تا فرهاد سوم بین سالهای ۹۵-۵۷ پیش از میلاد محسوب می‌شود. این دوره زمانی بعد از سلطنت مهرداد دوم می‌باشد. دوره‌ای که دولت پارت به ثبات و نیرومندی رسید که طی بیش از سه قرن تا زمان سقوط اشکانیان در سال ۲۲۶ میلادی فراز و نشیب‌ها و تهدیدهای خارجی و داخلی نتوانست آن را از پای درآورد. با این حال افول پادشاهی مهرداد دوم که یکی از بزرگترین شاهان پارت بود مقارن با ظهور پدیده‌ای در تاریخ پارت شد که در تمام طول تاریخ این دودمان به تضعیف آن در برابر خطرهای داخلی و خارجی کمک کرد. البته پدیده‌ای دائمی نبود و شاهنشاهی اشکانیان چند دوره شکوهمند را پشت سر گذاشت، اما این خطر بالقوه‌ای برای اثبات دولت به شمار می‌رفت. این پدیده عبارت بود از به صحنه آمدن غاصبانی که خاندان ای بزرگ ایرانی با ارتش‌های خصوصی و مستقل خود از ایشان حمایت می‌کردند. توضیح این پدیده،

بی‌خبریم. هرچند در مورد گودرز یکم و آرد یکم در منابع ادبی هیچ اشاره‌ای وجود ندارد، فقط منابع کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی و اسناد خط میخی وجود آن‌ها را تایید کرده‌اند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۱۰).

### بدنه تحقیق

ع حکومت سلوکیان در ایران، اشارات و نوشته‌های یونانیان و همچنین سکه‌ها و مهرها و مدارک باستان‌شناختی را شامل می‌شود. انقراض دولت هخامنشی در ۳۳۱ پ.م با حرکت اسکندر به طرف شرق و مرگ داریوش سوم اتفاق افتاد. پیروزی‌ها و لشگرکشی‌های اسکندر، ضمن اشاعه تمدن یونانی یا هلنی مآبی در سراسر خاورزمین تا هندوستان به صورت متقابل نیز موجب نفوذ فرهنگ خاوری در عناصر یونانی-مقدونی شد. تصویر «یک جهان» با آمیزش مردم گوناگون و فرهنگ‌های آنان در یک جامعه بزرگ یکی از مهمترین میراث پارسیان بود که توسط کوروش و داریوش پایه‌گذاری شد و به اسکندر و رومیان رسید. اسکندر و جانشینان از شهرهای بسیاری در گوشه و کنار امپراطوری خود بنا نهاده و مهاجران یونانی را به سکونت در این شهرها ترغیب نمودند. اسکندر با این کار می‌خواست بر نفوذ و فرهنگ تمدن یونانی در شرق ایران بیفزاید. با این همه خود شیفته تمدن و اخلاق مردم ایران شده، لباس پادشاهان ایرانی را در کرد و به تقلید آداب و رسوم دربار ایران پرداخت و زناشویی میان دو ملت را تشویق نمود. حضور اسکندر در مشرق زمین، موجب پرستش خدایان المپ و الوهیت اسکندر و تلفیق مذاهب بومی شد. بدین ترتیب بسیاری از خداگونه‌های یونانی در ایران چهره‌ای معادل بومی برمی‌یافتند چنانچه زئوس با اهورا مزدا، آپولو با میترا، رکول با ورثرغنه، آرتمیس با آناهیتا یکی انگاشته می‌شدند. رقابت و مبارزه میان جانشینان اسکندر پس از آنکه لشکریان روم آنها را مغلوب و مطیع ساختند پایان یافت. در این میان مقاومت مردم ایران روزافزون می‌گشت.

در حدود ۲۵۰ پ.م اشکانیان از مشرق زمین به قصد براندازی دولت سلوکی تمامی خاک ایران را تصرف کرده و رو به سوریه نهادند. اشکانیان در ابتدا فرهنگ و تمدن یونانی را پذیرفتند و حتی خود را «فیل هلن» یعنی دوستدار یونان خوانده و روی بیشتر سکه‌های خود نام شاه و ارقام روی آن را به یونانی نقش می‌کردند. روی بعضی از سکه‌ها نیز این واژه حک می‌شد. اشکانیان نزدیک به سیصد سال یعنی از آغاز رسیدن حکومت تا قرن اول میلادی به زبان و خط یونانی را به کار می‌بردند اما کم‌کم فرهنگ و تمدن یونانی در فرهنگ بومی ایران حل شده و از اوایل قرن دوم میلادی فرهنگ و تمدن اشکانی که آمیزه‌ای از فرهنگ و هنر هخامنشی، میانرودان، هند و بومیان ایران بود شکوفا شد. بطور کلی در این دوره سه جریان هنری مشاهده می‌شود: الف- هنر یونانی ب- هنر یونانی- ایرانی ج- هنر ایرانی- اشکانیان. فتح مجدد ایران توسط پارتی‌ها بیش از یک قرن طول کشید (حدود ۱۴۰-۲۵۰ پ.م) بنیان‌گذار دودمان اشکانی یعنی اشک در سال ۲۴۷ پ.م این سلسله را بنا نهاد. مهرداد اول هنگامی که سرگرم جنگ بود (حدود قرن ۲ پ.م) نخستین سکه اشکانیان را ضرب کرد. شاید این عمل به معنی آن باشد که کاملاً از فرمانروایی سلوکیان دست شسته و مستقل گشته بود. او پیش از مرگ (حدود قرن ۲ پ.م) نخستین سکه اشکانی به شیوه یونانی را ضرب نمود و بر آن خویشتن را شاه بزرگ خواند. اشکانیان چندان آثار نوشته شده‌ای از خود برجای نگذاشته‌اند. بنابراین سکه‌های آنان ارزنده‌ترین سرچشمه مدارک رسمی موجود این دودمان شمرده می‌شود. خط این سکه‌ها نیز در بیشتر مدارک رسمی محدود آن دوران، یونانی است. اطلاعات مربوط به اشکانیان اندک زمانی پس از برافتادن حکومتشان به سرعت از میان رفت. بنابراین با بررسی نقوش موجود بر سکه‌های پارتی می‌توان ییجه گرفت که مردم قلمرو اشکانی هرگز با هنر یونانی و رومی مخالفتی نداشته و این هنر از همان آغاز به هنر اشکانی راه یافته است. سکه‌های شاهان مختلف نیز با وضع

باشد. در دوره اول پادشاهی پارتیان دارای کلاهی ساده بودند که شبیه این کلاه را بزرگان ماد و ساتراپی هخامنشی می‌پوشیدند که به کلاه پارسی نامیده می‌شود. تاج بعد به دو گونه طبقه‌بندی می‌شود. تاج به صورت نواری است که در پشت سر گره خورده است. این نوار یا سربند را می‌توان نیم‌تاج یا «دیپهیم» نامید. تاج دیگر «تیارا» نامیده می‌شود که کلاهی کروی شکل بوده که آراسته به سه ردیف مروارید که در مرکز آن تزییناتی به شکل شاخ یا شعله جواهر نشان دیده می‌شود.

۲- نقش پشت سکه‌های پارتی: سکه‌های اشکانی بیشترین اطلاعات را در زمینه‌های مختلف می‌دهند. شامل نام شاه، القاب، ضرابخانه‌ها، تاریخ ضرب سکه، انواع الهه‌ها، گیاهان، حیوانات واقعی به تصویر کشیده شده‌اند. اسب، خوشه گندم، انگور، ستاره، ماه، خورشید نیز نشان دهنده علایم مذهبی است. اما بعضی از این نقوش مانند گیاهان و حیوانات نشان می‌دهد که مردم آن منطقه به پرورش و داشتن آنها مباحثات می‌کردند.

- علامت ضرابخانه‌ها: اغلب سکه‌های اشکانی دارای علایمی هستند که این علایم و نشانه‌ها متعلق به شهرهایی است که سکه‌های اشکانی در آن ضرب شده است. گاهی حکاکان هنرمند ضرابخانه‌های اشکانی به ابتکار هنری جالبی دست می‌زدند، بدین تیب که به جای نوشتن نام کامل شهر یا مخفف آن از ترکیب و تلفیق حرف اول شهر با یک یا چند حرف دیگر از حروف آن علامتی می‌ساختند که از آن پس عنوان و علامت ضرابخانه آن شهر شناخته می‌شد و محل قرار گرفتن این علامت در پشت سکه‌ها و در زیر تصویر کمان آرک است. که مهمترین این ضرابخانه‌ها عبارتند از نسا شهری در اشک آباد (عشق آباد)، تامبراکس (ساری)، آپامنه محل آن خوار در حوالی ری، آریا (هرات)، مارگیان (مرو) تراگزبان نزدیک مشهد کاتازترایتیا: دربار، رکاب، ضرابخانه سیار زمان جنگ (در طول راه)، هگمتانه (همدان)، رگا (ری)، میترادات کرت (دژ نیسا)، سلوکیه

هنر موجود سازگار و موافق بوده است. نقوش موجود بر آنان حاکی از رشد سبک‌های آسیای غربی و نخستین جلوه‌گاه قدرت و نفوذ هنر یونانی است که ریشه‌های آن را در هنر کهن شرقی باید جست. اشکانیان آنچه می‌خواستند از هنر یونان برگرفتند و باقی را فرو گذاشتند. بسیاری از پیکره‌ها و نشان‌ها و علامات را از هنر یونانی گرفتند و با مایه‌های هنر ایرانی آمیختند که یکی از بارزترین تداخل فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران و مغرب زمین سکه معروف به ملکه موزا می‌باشد. این بانوی ایتالیایی را آگوست قیصر روم برای فرهاد چهارم اشکانی فرستاد. او پس از بدنی آوردن پسری برای شاه ایران، عنوان شاه‌بانوی ایران را به خود اختصاص داد. پس از فرهاد چهارم پسر او فرهاد پنجم به سلطنت رسید و سکه‌ای نیز ضرب نمود که روی آن نقش خود و پشت سکه را با نیم‌رخ بسیار زیاده‌ای ملکه موزا آراسته است. موهایی ملکه در پشت سر او به بالا جمع شده و از زیر زلف او گوشواره‌ای آویزان است، تاج ملکه موزا که نمونه‌ای از هنر جواهرسازی این دوران است از سه طبقه تشکیل شده که به انواع گوهر و مروارید مزین گردیده است. بر گردن این بانوی زیبا گردنبندی از مروارید دیده می‌شود و بر گرد تصویر او نوشته‌ای از نام و القاب ملکه قرار دارد، تاج، اورانیا موزا، ملکه و علامت ضرابخانه هگمتانه (همدان)، (تصویر شماره ۱۰) و سعی بر طبقه‌بندی این نشانه‌ها شده است. جداسازی و شناسایی انواع تیپ‌های مختلف، این نشانه بیشتر مشخص کننده سکه‌های پارتی است. درحقیقت این نشانه‌های کوچک بر روی سکه‌ها تاریخ واقعی و پرونده صحیح و عادت و رسوم مردم آن زمان را نمایان می‌کند.

۱- نقش روی سکه‌های پارتی: به طور مثال تاج، گوشواره، گردنبند، خال، تاریخ، ضرابخانه، ستاره، ماه، پرنده، نام خلاصه شده پادشاه (علامت اختصاری)، ایزدان (الهه پیروزی)، تزیینات بر روی تاج پادشاهان مشخص کننده و نشان دهنده هر پادشاه بر روی سکه‌های پارتی است. بررسی تاج‌ها می‌تواند در شناخت و تفکیک سکه‌های اشکانی موثر

شهری نزدیک شوش، لائودیسه نهانند، کنگوبار (کنگاور)، تیسفون، سوسا شوش، سیرنیکس (شهری که در نزدیکی ساری کنونی واقع بوده است). خاراکس: امروزه شهری در جنوب ایران خوزستان نزدیک به خلیج فارس و در گذشته به اشتباه فکر می‌کردند که شهری در نزدیکی دروازه خزر، حدود شهرستانک، واقع در دره البرز شمال تهران است. آرتامیتا (دستگرد)، ابرشهر (نیشابور) و... مهمترین علایم کیبی - اختصاری معرف ضرابخانه‌هایی تاکنون شناخته شده‌اند. و از مهمترین نشانه‌ها بر روی سکه عبارت است از: لنگر (علامت کشتی‌بانان بابلی فرات بود)، لنگر رو به پایین، لنگر رو به بالا، سر پیکان، کمان، تیر و کمان، الهه آرتیمس، الهه آتنا (دختر زئوس الهه عقل و دانش. مشوق کشاورزی قرار دارد و حامی مردان شجاع در جنگ بود. این الهه اغلب کلاه‌خود بر شمشیر و نیزه و سپر در دست دارد)، تیرکش (تیردان)، مرد ماندار، شاخه گندم، شاخه خرما، گاو، سر گاو، گاو کوهان‌دار، کادوسه (لامتی که بعدها سمبل طب شناخته شد)، ستاره، هلال ماه، شاخ (سمبل فراوانی شامل محصولات کشاورزی و میوه‌های گوناگون وجود دارد)، گرز، انار، کوزه، پرنده، عقاب، سر عقاب، اسب، سر اسب، اسب در حال حرکت، اسب بالدار، فیل، سر فیل، خرطوم فیل، گوزن، قوچ نشسته، سر شیر (گریفون)، شیر (گریفون)، صاعقه، رعد و برق، نیزه سه شاخه، سه پایه، خوشه انگور، قلعه، دژ نظامی، دروازه، الهه تیشه (الهه و بل شهر سلوکیه به شکل بانویی با تاج کنگره‌دار او بال ندارد و با شاخه خرما یا حلقه قدرت را به شاه هدیه می‌کند)، الهه نیکه (الهه پیروزی در یک دست شاخه خرما و در دست دیگر نشانه سلطنت را دارد و با بال دیده می‌شود)، اروس (الهه عشق که دارای بال بوده و به صورت کودکان عریان و اغلب دستش را بر روی سکویی شبیه به آتش‌دان قرار دارد)، الهه آپولو (خدای خورشید فرزند زئوس و الهه ثروت، موسیقی و هنر محسوب می‌شود، حافظ و نگهبان گله‌ها و رمه‌ها)، هرکول، گلدان، حلقه پیروزی مزین به گل، آرم اشکانی، گل، مرد سوار کار، تاج گل مزین به رویان.

(بیانی، ۱۳۳۹: ۱-۵۰) (سرفراز، آورزمانی، ۱۳۸۰: صص ۲۳-۵۸). (تصاویر جدول شماره ۱).

ابتدا سکه ا به روش مطالعات سکه‌شناختی انتخاب و سپس با تکیه بر مطالعات اسطوره‌شناختی و نشانه‌شناختی تحلیل می‌شوند. نشانه شمایی، بر اساس تصویر حکمرانان اشکانی بر روی سکه شناخته می‌شود. مانند: ۱- تصویر اومفالوس Amphalus یا صندلی اورنگ یا تخت شاهی است. Throne s'King سکه‌های اشکانی نخستین تصویر نقش بسته بر پشت سکه‌های اشکانی، تصویر اشک اول با کمانی در دست و نشسته بر اورنگ است. تصویر اشک با لباس خاص اشکانیان و به ویژه کلاه آنان ا شلق که تا پایان دوره اشکانی بر پشت بیشتر سکه‌ها به چشم می‌خورد، تأکید اشکانیان بر پیشینه قومی و پابندی بر سنن بومی را نشان می‌دهد. همراهی واژه خودمختار یا مستقل در نخستین سکه‌های اشکانی با این تصویر، نیز مبین پیام اعلام استقلال و خودمختاری اشکانیان و ابل با سلوکیان است. کمانی که در دست اشک اول قرار دارد و نقش کماندار نیز، از قدرت نظامی و خاستگاه آ ا حکایت می‌کند. کمان و نیروی کمانداران قدرتی بود که ا کانیان همواره به آن مشهور بودند و موجب شکست و هراس نیروهای سلوکی و رومی می‌شد. (برومند، ۱۳۹۳: ۳). ۲- کلاه‌های دوره اشکانی که بر دو نوع تیارا و دیهیم است. نخستین پادشاهی ایرانی که در میان آن‌ها نوارهای سلطنتی به چشم می‌خورد، مادها هستند. مسلماً، بزرگان و پادشاهان مادی نیز مانند هخامنشیان از انواع تاج و دیهیم استفاده می‌کردند. می‌توان در نقوش تخت جمشید انواع کلاه را بر سر آن‌ها مشاهده کرد. کلاه نزد مادها علاوه بر پوشش، جنبه آرایشی و نمایشی نیز داشته است. آن‌ها برای نمایش خصوصیات مذهبی، صنفی یا قومی و نژادی خود از کلاه پارس‌ها به تقلید از مادها تیارا استفاده می‌کردند. مهم‌ترین آن‌ها تیار یا میترا و باشلق بود. کلاه نمدی نرمی بر سر و ردایی آراسته با روکش شلوار داشت. (22: 2008. Chrissanthos). تیار یا تیارا کلاهی نمدی

۱۳۸۵: ۷۲). اکثر شاهان اشکانی دارای نوارسرهایی بودند که بر روی پیشانی بسته می‌شد و دنباله آن در پشت سرها بود. این نوارها که اغلب نوارهای باریکی است، بر مچ پای آنها نیز به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن را در مجسمه‌های مکشوفه در شهر هترا واقع در عراق امروزی می‌توان دید. (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۱۰۳). در آغاز شاهان اشکانی دارای کلاه ساده‌ای بودند که به کلاه باشلقی معروف است. شبیه این کلاه را قبلاً بزرگان ماد و ساتراپ ای هخامنشی بر سر می‌گذاشتند. این کلاه از پارچه ضخیم یا نمد ساخته می‌شد و دارای زبانه‌هایی بود که روی گوش و پشت سر را می‌پوشانید و نواری که زینت‌بخش کلاه بود در پشت سر گره می‌خورد و دو سر آن آزاد و آویزان بود و اغلب حاشیه کلاه مخصوصاً در جلو با دانه‌های درشت مروارید مزین می‌شد. اشکال مختلف این کلاه بر سکه‌های اشک اول، تیرداد اول و فرهاد اول دیده می‌شود. از زمان مهرداد اول شکل شاه بدون کلاه برسکه‌ها نقش گردیده است و تاج فقط به صورت نواری به چشم می‌خورد که در پشت سر گره خورده است. این نوار یا سربند را می‌توان نیم‌تاج نامید که احتمالاً زرین نیز بوده است. نیم‌تاج به صورت یک یا چند خط بر روی سکه‌ها دیده می‌شود و از بالا نیز به صورت حلقه‌ای به نظر می‌رسد. این حلقه بدون شک همان نشان شهریاری است. (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۴). در نقش برجسته‌ای واقع در تنگ سروک شاه المیائی که تابع پارت است. حلقه فرمانروایی را به دو تن از حکام خود می‌دهد. با استفاده از این نقش می‌توان چنین استنتاج کرد که نه تنها تفویض قدرت به ساتراپ‌ها از طرف شهریاریان پارت معمول بوده است، بلکه پادشاهان تابع نیز به حکام زیر نفوذ خود اختیارات کافی می‌دادند. (بیانی، ۱۳۷۰: ۱۸). جالب توجه است که بر روی بسیاری از سکه‌های اشکانی مراسم دیهیم‌ستانی به چشم می‌خورد. در این سکه‌ها، خدایان یونانی با هیبتی یونانی در حال تقدیم تاج‌گل تاج شهریاری یا نماد شاهی به شاه اشکانی در هیئت پادشاهان هخامنشی هستند، در بیشتر

است که به شکل تاجی مخروطی بلند و در جلو برآمده است که دنباله آن به صورت نواری در پشت گردن آویزان است. نگهبانان و خدمتگزاران و نیز رئیس نمایندگان خراج‌گزار نین کلاهی بر سر دارند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۸). نوع دوم کلاه، باشلق مادی است که انواع مختلف آن در بین مادها، آرامنه، پارت‌ها و مردم قفقاز رایج بود و هنوز هم نوع پوستی آن در سرمای سخت زمستان مورد استفاده تاتارها، ترکمن‌ها و قزاق قرار می‌گیرد. باشلق از نمد یا کتان بود و قسمت بالایی آن معمولاً نوک تیز، بلند و به شکل کیسه مخروطی به عقب یا جلو برگشته و در قسمت پشت دنباله کوتاهی داشت و در دو طرف نیز دو تکه اضافی گوش‌ها را می‌پوشاند. که در زمان گفت‌وگو با شاه برای جلوگیری از دمیده شدن نفس به صورت شاه به کار برده می‌شد و بعدها به تقلید از مادها در میان پارس‌ها و پارت‌ها نیز رواج یافت. (غیبی، ۱۳۸۵: ۸۹-۹۲). سرفراز نیز کلاه‌های مادی نقوش تخت‌جمشید را به پنج دسته تقسیم می‌کند. که چهار دسته از آنها دنباله‌ای نوارمانند دارند و همگی را متعلق به دربار مادی یا ایل و تبار مادیان درباری می‌داند. (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۸۶). توجه به اینکه تمام کلاه‌های نواردار مادها خاص درباریان است و در اکثر موارد این نوارها جزئی نمادین از کلاه محسوب می‌شوند، می‌توان این نوارها را به عنوان نمادی برای دربار در نظر گرفت. در دانشنامه ایرانیکا نیز به تاج یا کرون یا دیهیم یا دیادم نیز اشاره شده است. رشته‌ای بود که اطراف سر پیچیده می‌شد و می‌توانست با تاج کنگره‌دار یا دیهیم تیار پوشیده شود. پادشاهان آشور نو قرون ۹ - ۷ پ.م دیهیم را در ترکیب با یک کلاه بلند مثل کلاه فس کلاه قرمز منگوله دار می‌پوشیدند. در حالی که شاهزادگان دیهیم را به تنهایی به کار می‌بردند (Calmeyer, 2011: 95-45). فرهنگ اشکانیان تلفیقی از فرهنگ شرق و غرب بود، چنان که در آغاز برای تسلط یافتن بر یونانیان، آداب و سنن یونانی را رعایت کردند و این در سکه‌هایشان نیز کاملاً مشهود است، ولی در پوشش تن و سر هرگز از آنها تقلید نکردند (غیبی،



سکه‌های اشکانی مدارک با ارزشی می‌باشند که نه تنها وضع اقتصادی آن دوره را رفی می‌کنند بلکه تاریخ ۵۰۰ سال شاهنشاهی بزرگ ایران را از جهات مختلف بررسی می‌کند. در دوره اشکانیان دادو بوسیله سکه‌های نقره، مس و برنز انجام می‌پذیرفت و سکه طلا تا به حال از آنها دیده نشده است. شاهان اشکانی به آرایش مو و ریش توجه خاصی داشتند و از روی نقوش سکه‌ها می‌توان به طرز آرایش آنها پی برد، بر گردن تمام آنها گردنبنده مروارید از یک تا چهار ردیف آویخته شده است. در پادشاهانی که دوران سلطنت آنها طولانی بوده است به خوبی تغییراتی ه بر اثر گذشت زمان در چهره آنها پدیدار شده است را می‌توان مشاهده نمود. برو سکه‌ها تصویر نیم‌رخ با تمام‌رخ شاه به طرز دقیقی حکاکی شده است. و بر پشت سکه‌ها معمولاً نقش ارشک موسس این سلسله نشسته بر روی سکویی قرار دارد که کمان بدست گرفته است و این به پاس احترامی است که آنها نسبت به موسس خاندان خود ابراز می‌داشته‌اند. بر پشت سکه‌های چهار درهمی، شاه بر تخت نشسته و فرشته بالدار حلقه سلطنت را به او می‌دهد. اوایل نوشته روی سکه‌ها به خط یونانی و القاب شاهان را دربر دارد ولی از زمان سلطنت بلاش اول (۵۱-۷۸ پ.م) خط آرامی و پهلوی اشکانی بر روی سکه‌ها به کار می‌رفت. انواع تاج‌های این دوره، بعضی ساده و بعضی مثل تاج ملکه موزا همسر فرهاد چهارم بسیار مجلل و جواهر نشان بوده است. در سکه‌های پارتی علامات اختصاری که معرف ضرابخانه شهر است در پشت سکه قرار دارد. چنانچه از روی سکه‌ها بر می‌آید شهرهایی که دارای ضرابخانه بوده‌اند شامل: نيسا، دارا (درگز کنونی)، صدرروازه (نزدیک دامغان)، تمبراکس (ساری)، سیرینک (نزدیک ساری)، هگمتانه (همدان)، شوش، لویکیه، رگا (ری)، مرو، تیسفون، هرات، کنگاور، نهاوند و غیره می‌باشند. (عسکری-باصری، ۱۳۸۰: ص ۱۵۶-۱۵۷).

ضرب سکه‌های اشکانی ا بر اساس نظام پولی یونانی

این مراسم نیکه ایزد بخت و اقبال یونانی، تاج پیروزی را که نزد ایرانیان نماد فره شاهی می‌شود، تقدیم می‌کند معنای نمادین این صحنه همیشه به قدرت رسیدن شاه است که از مضامین بسیار رایج هنر ساسانی است. اصل این گونه مضامین هنری از یونان است که در دوره ساسانیان نیز در ایران رواج می‌یابد. (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۰۱-۳۰۴). نوارهای سلطنتی در ایران، هم‌زمان با حاکمیت مادها، جزئی از باشلق یا کلاه درباریان بود. باشلق‌های مادی به پارتیان و حاکمان پارس، الیماییان، پادشاهان خرسن رسید، ولی به سرعت چیزی جز نوازی ساده از آن باقی نماند که به شکل سربند بر پیشانی اکثر شاهان اشکانی قابل مشاهده است و به نام دیهیم معمول گشت. ۳-تیر و کمان بر اساس تصویر اشک اول با کمانی در دست و نشسته بر تخت است. تصویر اشک با لباس خاص اشکانیان و به ویژه کلاه مخصوص که تا پایان دوره اشکانی بر پشت بیشتر سکه ا به چشم می‌خورد، اُکید ا کنایان بر پیشینه قومی و پایبندی بر سنن بومی نشان می‌دهد. همراهی واژه خودمختار یا مستقل در نخستین سکه‌های اشکانی با این تصویر، نیز مبین پیام اعلام استقلال و خودمختاری اشکانیان و تقابل با سلوکیان است. کمانی که در دست اشک اول قرار دارد و نقش کماندار نیز، از قدرت نظامی و خاستگاه آنها حکایت می‌کند. کمان و نیروی کمانداران قدرتی بود که اشکانیان همواره به آن مشهور بودند و موجب شکست و هراس نیروهای سلوکی بود نقش کماندار بر پشت درهم‌های دوره ا نی به جز دوران ونن اول (۱۲-۸ م) به سمت راست است. نمای کلی این طرح به سکه تارکامووا شهرت ساتراپ هخامنشیان در تارسوس و کاپادوکیه، شباهت دارد که در قرن چهارم پ.م ضرب شده است. طرح کلاه، شال روی شانه و طرح اورنگ و کمان کاملاً یکسان است. بنابراین برخی محققان این شباهت را تصادفی نمی‌دانند و معتقدند طرح سکه‌های ارشک احتمالاً اقتباسی از سکه‌های تارکامووا<sup>۱</sup> است. (برومند، ۱۳۹۳: ۳-۴).

۱. تارکامووا آخرین ساتراپ هخامنشی در کلیکیه بوده است.



را نشان می‌دهد. (3: 1976, sellwood). که این تصویر کماندار در همه سکه‌های نقره اشکانی دیده می‌شود. البته در سکه‌های ونن اول هم تصویر نیکه ایزد بانوی پیروزی دیده می‌شود. (285: 2012, Sinsi) که نشان‌دهنده این است که تصاویر بر روی سکه‌ها با تاثیر از هنر یونانی و هنر ایرانی نیز دیده می‌شود. همچنین تصاویر زئوس و هرکول هم بر روی درهم‌ها و چهاردرهمی‌های مهرداد اول نیز دیده می‌شود (768: 2013, Rezakhani). یکی از علت‌های استفاده از ایزدان یونانی را ارتباط با یونان و تاثیر فرهنگ یونانی می‌توان دانست. همچنین تبدیل کردن این ایزدان با همتایان ایزدان ایرانی را نیز علت‌های سیاسی شاهان برای بقای استمرار شاهی می‌توان دانست. به طور مثال تبدیل هرکول و آپولو به بهرام و تیر (9: 277, 1991, Potter). همچنین تبدیل آرتیمیس به آناهیتا (مری بویس، ۱۳۸۱: ۱۱۸-۱۱۹). و یا تشابه کماندار به سکه‌های تارکمو که برداشت از سکه‌های ساتراپی هخامنشی می‌اشد (برومند، ۱۳۹۳: ۳-۴) بود. (تصویر شماره ۴) و یا نقش پرنده که در بعضی سکه‌ها حلقه قدرت را در منقار گرفته (بیانی، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۴) (تصویر شماره ۵) و یادرسکه‌های چهاردرهمی ای فرهاد سوم در دست شاهان قرار دارد (پرادا، ۱۳۵۷: ۲۷۰). (تصویر شماره ۶). شرح و توصیف تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان همراه با استفاده از منابع سکه‌شناسی و تحلیل و بررسی داده‌ها و اطلاعات آن. در حوزه تاریخ سیاسی و شرح و توصیف شاهان اشکانی و استفاده از منابع تاریخی از آنچه که تا زمان تألیف شده است در بخش سکه‌شناسی از آثار متعدد سکه‌شناسان و سکه‌های مجموعه آنها استفاده شده است توجه به سکه‌های ارائه نشده‌ای چون: سکه‌های نقره‌ای و سکه‌های برنزی شاهان اشکانی معطوف شده است علاوه بر حوزه سکه‌شناسی به مسایل سیاسی، اجتماعی، حدود و محدوده جغرافیایی دولت اشکانی توجه و در کنار آن به حکومت‌ها و ممالک همجوار و حاکمیت ارضی دولت اشکانی اشاره شده است.

بود. سکه‌های اولیه درهم و از جنس نقره بود که واحد بزرگتر آن چهاردرهمی و واحدهای کوچکتر آن سه ابولی، دو ابولی و یک ابولی نام دارد. (53: Alram). ارزش سکه‌های برنزی از کالکوی تا هشت کالکوی در جریان بود. از دو مبدا تاریخ اشکانی و سلوکی استفاده می‌کردند. تاریخ نوشته شده بر سکه‌ها سلوکی است. همچنین از شهرهای زیادی برای ضرب سکه استفاده می‌کردند. و برای هر ضرابخانه یک نشان در نظر می‌گرفتند. و نوشته روی سکه‌ها به سه زبان آرامی، یونانی و پهلوی اشکانی بود. شکل حروف در گذشت زمان تغییرات زیادی کرده است و القاب و عناوین پادشاهان اشکانی نیز در دوره‌های مختلف متفاوت است. درهم‌ها تاریخ‌گذاری نشده‌اند. اما تعیین قدمت در چهاردرهمی‌ها به دلیل داشتن تاریخ آسان‌تر است. (تصویر شماره ۹). (210: 2010, Dabrowa). تفاوت سکه‌های فرهاد سوم با گودرز اول در القاب، نشانه‌ها و کتیبه‌های روی سکه می‌اشد. (تصاویر شماره ۷ و ۸). تجارت و سیستم‌های پولی تنها وسیله انتقال فرهنگ و رسانه تبلیغاتی در دست پادشاهان اشکانی بود. با این حال سکه‌ها در این دوره کاربرد چند گانه داشتند. درهم‌های نقره بر اساس معیار وزن آتنی حدوداً ۴ گرم داشتند و چهاردرهمی‌ها حدوداً ۱۶/۵ گرم وزن داشتند. پادشاهان اشکانی دقت بسیار در تعادل وزن سکه‌ها برای تجارت با ممالک غربی به ویژه رومیان داشتند (6: 375, 2004, Gariboldi) (آلام، ۱۳۹۲: ۵۷۷). تصویر روی سکه‌های سلوکی نیم‌رخ به سمت راست و بدون ریش را دارند که نخستین سکه‌های ارشک اول نیز به همین شکل است. (سلود، ۱۳۸۹: ۳-۳۸۲). (تصویر شماره ۲). ولی در سکه‌های بعدی چرخش به سمت چپ را در روی سکه‌ها مشاهده می‌نیم، (Abgarians & sellwood) (تصویر شماره ۳) در بعضی از سکه‌های دوره هخامنشی و ساتراپی‌ها دیده می‌شود و بر پشت سکه‌های سلوکی نیز تصویر آپولو بر روی امفالوس دیده می‌شود. ولی در سکه‌های اشکانی تصویر کماندار بر روی چهارپایه نشسته

## انواع تیپ‌های سکه‌های پادشاهان مختلف اشکانی (تصاویر جدول شماره ۱)

انواع نقوش تاجها (تیارا- دیادم) و جواهرات			
			
1a		1b	
مهرداد اول		پارتاماسپات	
			
3a		3b	
شاهزاده ناشناس دوم		مهرداد دوم	
			
5a		5b	
ارد دوم		داریوش مادی آتروپاتن	
انواع نامهای اختصاری پادشاهان و ضربخانه‌ها			
			
7a		7b	
بلاش اول		بلاش چهارم	
			
9a		9b	
ونن اول		فرهاد پنجم و ملکه موزا	

مروری بر سکه‌های اشکانی و نمادهای آنها

انواع ضربخانه‌ها			
 <i>11a</i>	 <i>11b</i>	 <i>12a</i>	 <i>12b</i>
آتابانوس دوم		ارد دوم	
 <i>13a</i>	 <i>13b</i>	 <i>14a</i>	 <i>14b</i>
فرهاد دوم		آرتابانوس دوم	
 <i>15a</i>	 <i>15b</i>	 <i>16a</i>	 <i>16b</i>
شاهزاده ناشناس دوم		ارد دوم	
 <i>17a</i>	 <i>17b</i>	 <i>18a</i>	 <i>18b</i>
واردان دوم		ارد دوم	
 <i>19a</i>	 <i>19b</i>		
ارد دوم			

انواع سکه‌ها و نشانه‌ها			
			
20a	20b	21a	21b
ارد دوم		فرهاد چهارم	
			
22a	22b	23a	23b
فرهاد پنجم		فرهاد پنجم	
			
24a	24b	25a	25b
آرتابانوس دوم		شاهزاده ناشناس دوم	
			
26a	26b	27a	27b
آرتابانوس سوم		آرتابانوس سوم	
			
28a	28b	29a	29b
ونن دوم		مهرداد دوم	
			
30a	30b	31a	31b
گودرز اول		فرهاد چهارم	

مروری بر سکه‌های اشکانی و نمادهای آنها

			
32a	32b	33a	33b
ولگاسس چهارم		گودرز دوم	
			
34a	34b	35a	35b
آرتابانوس دوم		شاهزاده ناشناس دوم	
انواع نقوش حیوانی			
			
36a	36b	37a	37b
آرتابانوس دوم		مهرداد سوم	
			
38a	38b	39a	39b
بلاش اول		بلاش اول	
			
40a	40b	41a	41b
مهرداد دوم		ارد دوم	



انواع نقوش گیاهی، تزیینی، اشیاء			
 42a	 42b	 43a	 43b
آرتابانوس دوم		ارد دوم	
 44a	 44b	 45a	 45b
ارد دوم		ارد دوم	
 46a	 46b	 47a	 47b
مهرداد دوم		مهرداد دوم	
 48a	 48b	 49a	 49b
ارد دوم		مهرداد دوم	
 50a		 50b	
فرهاد چهارم			

مروری بر سکه‌های اشکانی و نمادهای آنها

	
<p>تصویر شماره ۳</p>	<p>تصویر شماره ۲</p>
<p>سکه اشکانی</p> 	<p>سکه تارکامووا</p> 
<p>تصویر شماره ۴</p>	
	
<p>تصویر شماره ۶</p>	<p>تصویر شماره ۵</p>
 <p>Type I</p>	 <p>Type II</p>
<p>تصویر شماره ۷</p>	



IVa. α		IVa. β		IVa. γ	
تصویر شماره ۸					
تصویر شماره ۱۰			تصویر شماره ۹		

### نتیجه‌گیری

قبل از مطالعه و بررسی تاریخ اشکانیان در بررسی اوضاع ایران، تاکید بیشتر بر عوامل ایرانی و مردم ایران است، زیرا که همواره از نقش هلنیسم یا یونانی مایی مهم‌تر است در حالی که در سده نوزدهم تاریخ‌نویسان غرب وقایع تاریخی مربوط به تاریخ اشکانی و تاریخ سلوکی را با دیدگاه یونانی-مقدونی بررسی کرده و این در حالی است که نقش کشور ایران به کلی حذف شده است. تاریخ ایران به ویژه در دوران باستان همواره در هاله‌ای از ابهام پوشیده است و حتی پژوهش‌های پژوهندگان نیز نتوانسته است این ابهامات را برطرف سازد و با وجودی که می‌دانیم خاستگاه اساطیر و حماسه ملی ما ریشه در شرق ایران زمین دارد به خصوص منشا چندین حماسه می‌تواند ریشه در وقایع و نبردهای اشکانیان با کوچ‌روان سکایی که خود اشکانیان نیز تیره‌ای از آن‌ها بوده‌اند داشته است. از این رو شناختن رویدادها و شخصیت‌های تاریخی، تاثیرگذارتر و مهم‌تر از برخوردهای نظامی اشکانیان با رومیان در غرب است و همچنین می‌دانیم

که دومین سلسله تاریخ ایران باستان در بستر افسانه تاریخ کیانی یا تاریخ حماسی ایران غنوده است و جالب این است که اشکانیان نیز خود را کیانیان می‌خواندند و حتی بعضی از قبایل سکایی نیز دارای این عنوان بودند. پارتیان دراز زمانی گرفتار بدگویی و انکار جانشینان خویش یعنی ساسانیان بودند و در عین حال از بدگویی‌های دشمنان خویش یعنی رومیان نیز گزند دیدند و پژوهندگان زمان ما هم معمولاً، به پیروی از منابع کهن، آنان را بد جلوه دادند و ویران‌گر میراث هلنیسم و سلوکی نمودار ساختند. این بدنامی ظالمانه است؛ زیرا چنان که ثابت شده است، پارتیان نه ویران‌گر میراث هلنیسم بودند و نه از بین برنده میراث هخامنشی و نه دشمن آیین زرتشتی. ابی‌بیش پانصد سال بر فلات ایران فرمان راندند و سرانجام رومیان آنان را برابر و هم سنگ خود شمردند و دشمنانی قابل ستایش شناختند. همچنین تعادل میان سنت و فرهنگ یونانی و ایرانی باعث شد به تسلط طولانی مدت آنها کمک کند. بنابراین نمی‌توان تنها شاهان اشکانی را تقلیدکاران یونانی دانست. بلکه می‌توان گفت که

-باصری، خدیجه و عسکری، الهه. (۱۳۸۰). *ایران باستان؛ نگاهی به گنجینه موزه ملی ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور؛ معاونت آموزشی

برومند، صفورا. (۱۳۹۳). *کماندار، اومفالوس و اورنگ، بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی*. نشریه «مطالعات تاریخ فرهنگی»، ویرایش‌های انجمن ایرانی، ص ۵، ش ۲. صص ۱۴-۱.

بویس، مری. (۱۳۸۷). *نوشته‌ها و ادب پارتی. تاریخ ایران کمبریج*. گردآورنده احسان یارشاطر، تهران: امیرکبیر.

پرادا، ایدت. (۱۳۸۳). *هنر ایران باستان تمدن‌های پیش از اسلام*، تهران: دانشگاه تهران.

دریایی، تورج و خداداد رضاخانی. (۱۳۹۷). *از جیحون تا فرات: ایران‌شهر و دنیای ساسانی*. ترجمه مریم بیچوند، تهران: مروارید.

دوبواز، نلسون. (۱۳۴۲). *تاریخ سیاسی پارت*. ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: ابن سینا.

دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ. (۱۳۵۱). *اشکانیان*. ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی. (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر ایران (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)*، تهران: عفاف.

سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزمانی. (۱۳۸۵). *سکه‌های ایران از آغاز تا زنده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)*.

سلوود، دیوید. (۱۳۸۷). *دولت‌های کوچک جنوب ایران*. تاریخ ایران کمبریج از سلوکیه تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآورنده: احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. ج ۳، ب ۱. تهران: امیرکبیر.

شیپمان، کلاوس. (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*. ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه.

شیپمان، کلاوس. (۱۳۹۶). *مبانی تاریخ ساسانیان*. ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه.

کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). *اشکانیان*. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: هیرمند.

گاریلیدی، آندرنّا. (۱۳۹۵). *تاریخ و سکه‌های ساسانی*. ترجمه شاهین آریامنش، تهران: آریامنّا.

محمّدی فر، یعقوب. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سمت.

محمّدی فر، یعقوب. (۱۳۹۱). *مروری بر تاریخچه بررسی‌های*

زنده کننده فرهنگ ایرانی و پایه گذار تداوم تمدن آینده مانند ساسانیان دانست.

این دوره سردرگم‌ترین دوره تاریخ اشکانیان از سال‌های پایانی در زمان سلطنت مهرداد دوم ۸۸ پ.م تا پادشاهی ارد دوم ۵۷ پ.م می‌باشد. در حالی که مهرداد دوم هنوز در قدرت بود، ما سکه‌هایی از گودرز اول حدود ۹۵ - ۹۰ پ.م، همچنین ارد اول حدود ۹۰ - ۸۰ پ.م داریم و در دوره‌ای که بلافاصله پس از سلطنت مهرداد دوم می‌بینیم که سکه‌های ارد اول حدود ۹۰-۸۰ پ.م، با شاهزاده ناشناس اول ۸۰ پ.م و شاهزاده ناشناس دوم حدود ۸۰-۷۰ پ.م و سناتروک ۷۰-۷۰ پ.م و داریوش مادی از آترو پاتن ۷۰ پ.م با هم همپوشانی دارند. و در این زمان بین سال‌های ۵۰ تا ۷۰ پ.م به نظر می‌رسد. فرهاد سوم کنترل خود را در سال‌های پیرامون ۷۰ پ.م و به دنبال آن ارد دوم ۵۷ پ.م کنترل کامل را در دست گرفت. بحث گسترده این دوره بسیار گیج‌کننده است. و نظرات متفاوتی وجود دارد. با مقایسه سکه‌ها با یکدیگر و متون ادبی و لوح‌های میخی می‌توان این شناسایی را انجام داد. و شواهد کتبی در این دوره آنقدر گنگ و مبهم است که نسبت دادن سکه‌ها به حاکمان مختلف با اینکه بر حدس و گمان است، ولی هنوز هم قابل اطمینان‌ترین اسناد سکه‌ها هستند. در نتیجه گیری ما شباهت سکه‌های گودرز اول و فرهاد سوم را مشاهده می‌کنیم و تفاوت بین سکه‌ها در خطوط و آیکونوگرافی سکه‌ها است که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند. همین‌طور شباهت سکه‌های این دو شاه نیز با سکه‌های دیگر شاهان شباهت در تاج آنها است که باز هم تفاوت آنها در جزییات و نقش تاجها است. که در ظاهر شاید تاج‌ها شبیه به یکدیگر باشد ولی در نقش کنگره‌ها ستاره‌ها، نقطه‌ها، روبان‌ها و گوزن‌ها آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند و باعث می‌شود که به هر یک از شاهان تعلق داشته باشد.

## منابع

آوزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*، تهران: پازینه.

<http://www.britishmuseum.org/collection/online/sasanian.Parthia.com/Parthia-gene.Htm>

باستان‌شناسی مربوط به ایران دوره اشکانی، مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران. تهران: پازینه. ملک زاده بیانی، ملکه. (۱۳۸۱). تاریخ سکه از قدیمی‌ترین/زمنه تا دوره ساسانیان. ج ۲، تهران: دانشگاه تهران. ولسکی، یوزف. (۱۳۸۴). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.

- Afram, M and R. Gyselen. (2003). *Sylloge Nummorum sasanidarum*, Paris-Berlin -Wien. Bd. 1. ArdashirI-Shapur I. Bd. 2. OhrmazdI – OhrmazdII (Wien 2012). Bd. 3/1. ShapurII-Kawad 1/2. Regierung; Bd. 3/2. Katalogband (Wien 2004).
- Boyce, M. (1986). “Arsacid, iv. Arsacid religion”. *Encyclopædia Iranica*, Vol. II Fasc. 5.
- Boyce, M. (1987a). “Ātaš”, *Encyclopaedia Iranica*, ed, Ehsan Yarshater, Vol, III, Fasc,1 pp. 1-5.
- Dąbrowa, E. (2008). *The Political Propaganda of the First Arsacids and its Targets: from Arsaces I to Mithradates II*, *Parthica* 10: pp. 25-31.
- Dąbrowa, E. (2008). “The Political Propaganda of the First Arsacids and its Targets: from Arsaces I to Mithradates II”, *Parthica* 10: pp. 25-31.
- Dąbrowa, E. (2010). “ΑΡΣΑΚΗΣ ΕΠΙΦΑΝΗΣ. Were the Arsacids Deities ‘Revealed’? in: «Studi Ellenistici» 24, pp. 223-230.
- Gardner, P. (1877). “Parthian Coinage”. *Trubner and Co.* 2.
- Reider, c. (1996). *Legend variations of the Coins of Ardashir*, *The Great Oriental Numismatic Society*. No,147. pp. 10-11.
- Sellwood, D. (1976). *The drachms of the parthian ‘Dark Age’*, *JRAS* 108.
- Sellwood, D. (1980). *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London, Pardy & son.
- Sinisi, F. (2012a). “The Coinage the Parthians”, in *Oxford Handbook of Greek and Roman Coinage*, Oxford- University Press.
- Wolski, J. (1983). “Sur Le «Philhellenisme» des Arsacides”, *Gerión* I, 145-156.
- Wroth, W. (1903). “Catalogue of the coins in British Museum”: *Catalogue of the coins of Parthia*, London.